

اوضاع اجتماعی و اقتصادی جوزجانان از ورود اسلام تا قرن هفتم

قاسم حمیدی^۱

سید محمدرضا عالمی^۲

چکیده

جوزجانان از ولایت‌های تأثیرگذار خراسان در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بوده متأسفانه در این رابطه به‌طور دقیق پرداخته نشده است، این مقاله را به «اوضاع اجتماعی و اقتصادی جوزجانان از ورود اسلام تا قرن هفتم» اختصاص دادیم تا با نقش اجتماعی و اقتصادی جوزجانان در این منطقه در قرون اسلامی بهتر آشنا شویم.

اوضاع اجتماعی جوزجانان دارای جایگاهی ویژه‌ای بوده که با سایر اقشار تعامل خوبی داشته و همچنین بحث اقتصاد این منطقه در جایگاه عالی قرار داشته که یکی از قطب‌های اقتصادی خراسان محسوب می‌شده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به نتایج ذیل دست یافت: جوزجانان محل زندگی نژادها و اقوام زیادی بوده که زندگی انواع مختلفی از اقوام مانند عرب، کرد، ترک، ازبک و هزاره را در خود تجربه کرده و یکی از مناطق مهم اقتصادی خراسان بوده است.

واژگان کلیدی

جوزجان، سرپل، جوزجانان، شبرغان، اجتماع.

^۱. کارشناسی ارشد تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، hamidigasim290@gmail.com.

^۲. دکترای تاریخ تمدن اسلامی و استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه (ص).

مقدمه

جوزجانان ولایتی در شمال افغانستان است که جزء مناطق حساس و مهم خراسان بشمار می‌رود این منطقه دارای سابقه تمدنی تأثیرگذاری در تمدن اسلامی بوده است. جوزجانان منطقه‌ای بوده که در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، جایگاهی برای بحث دارد و در خراسان در زمینه‌های اقتصادی تحولاتی را به وجود آورده که اثرات مثبت آن به سایر نقاط این سرزمین رسیده است.

برای اینکه بیشتر و بهتر با نقش اجتماعی و اقتصادی جوزجانان در این منطقه، در قرون اسلامی آشنا شویم، تصمیم بر این شد تا این مقاله را به «اوضاع اجتماعی و اقتصادی جوزجانان از ورود اسلام تا قرن هفتم» اختصاص دهیم و با تأثیرات آن در خراسان و مناطق اطراف این منطقه آشنایی پیدا کنیم.

در بخش اوضاع اجتماعی این منطقه به دو مبحث کلی مانند نژادها و اقوام که ذیل این بحث به نژادهای عرب، کرد، ترک، ازبک و هزاره پرداخته‌ایم و طبقات اجتماعی که در این قسمت به حاکمان، دهقانان، رعایا و بردگان و ویژگی آنان و همچنین در مورد خصوصیات مردم جوزجانان بحث شده است و اما در بخش اوضاع اقتصادی که در آن دوره به یکی از نقاط مهم اقتصادی خراسان تبدیل شده بود به زیرمجموعه‌های از آنکه شامل کشاورزی، دام‌پروری، صنعتگری، معادن و فلزات، تجارت و نقش جیحون در اقتصاد جوزجانان می‌باشد پرداخته شده است.

اوضاع اجتماعی

یکی از شاخصه‌های مهم هر ملت و سرزمینی که مورد مطالعه قرار می‌گیرد، بررسی به اوضاع اجتماعی آن می‌باشد. خلق و خوی و تعامل مردمان یک منطقه با مناطق دیگر در روابط اجتماعی و اقتصادی آن تأثیر به سزای دارد مخصوصاً جوزجانان که مردمانش به سخاوت و جوانمردی معروف می‌باشد.

الف) نژادها و اقوام

یکی از راه‌های مؤثر که می‌توان به بررسی یک منطقه و شرایط آن پرداخت و آن را از لحاظ تاریخی در دوره‌های مختلف مطالعه و بررسی کرد، وارد شدن به بحث اقوام مختلف با ویژگی‌های خاصی آن‌ها در منطقه مورد نظر می‌باشد و این می‌تواند کمکی برای خوانندگان باشد

که آن منطقه را بهتر بشناسد. جوجانان یکی از مناطقی می‌باشد که در محدوده زمانی موردبحث با توجه به موقعیت سیاسی و اجتماعی که داشته است، دارای اقوام مختلفی بوده که شامل (عرب، ترک، ...) می‌باشد. خراسان بعد از فتوحات اسلامی نژاد و اقوام دیگری به آن اضافه شد که در سرتاسر خراسان با توجه به فعالیت و شغلی که داشتن تعدادشان در جاهای مختلف متفاوت بوده که این اقوام و موجودیت آن‌ها در جوجانان را هم شامل می‌شود. خراسان علاوه بر اینکه دارای اقوام زیادی می‌باشد چهار قوم بزرگ دارد که شامل هزاره‌ها، تاجیک‌ها، پشتون‌ها و ترک نژادان (ازبک و ترکمن) می‌باشد و دیگر اقوام کوچک‌تر به یکی از این چهار گروه می‌رسد که عبارت اند از عرب، ایماق، قرقیز، قزاق، بلوچ، قزلباش، نورستانی، سیک، براهویی، مغول، هندو و ... (دولت‌آبادی، ج ۱، ۲۷، ۲۸ و ۲۹) در این جا سعی کردیم به بعضی از اقوام مورد توجه در جوجانان بپردازیم.

عرب

یعقوبی گزارشی در مورد مهاجرت عرب‌ها به شهرهای خراسان و همچنین مناطقی را که اعراب در آنجا بیشتر حضور داشتند در کتاب البلدان آورده است. وی در مورد خراسان نوشته است: (در تمام شهرهای خراسان، اقوامی عربی از قبایل ربیع و مضر و نیز قبایل یمنی، حضور داشتند. مگر شهر باسه و شنه که از مجاورت با عرب‌ها امتناع می‌کردند). (جعفریان، ۱۵۹) این ندیم از کتابی به اسم «نزل العرب بخراسان والسواد» نام برده که مؤلف این کتاب هیثم بن عدی متوفی (۲۰۷هـ ق) می‌باشد موضوع این کتاب در مورد کوچ اعراب به خراسان و سواد هست که خاندان هیثم عرب‌های مهاجر در منطقه سواد بودند. (محمدی ملایری، ج ۳، ۳۱۲) عرب‌ها توانستند حضور خود را در بیشتر نقاط خراسان گسترده کنند و از نظر شرایط اجتماعی خود را با جامعه همسان کند و حتی توانستند در بخش‌های سیاسی و نظامی شرکت کنند، چنانچه در دوره غزنویان و در جنگ‌ها از آن‌ها به‌عنوان بهترین سواران ارتش غزنوی به اسم (دیوسواران) یاد می‌شد. (باسورث، ج ۱-۲، ۱۱۰) در جوجانان هم مانند بیشتر شهرهای خراسان عرب‌ها وجود داشت و تعداد زیادی از آن‌ها در این منطقه زندگی می‌کردند که کار و سرمایه اصلی آن‌ها داشتن گله‌های از گوسفند، گاو و شتر بود. (مؤلف ناشناخته، ۹۶، ۹۸، ۱۰۴، ۳۹۰) یعقوبی به سال (۲۷۸هـ ق) آورده که (...مقر حکمرانی امرای عرب انبار بود). در آن زمان بین شبورقان و شیرین تگاب صحرائی وجود داشت که بخشی از عرب‌ها در آنجا قرار داشتند و عرب‌ها به آن (القاع) می‌گفتند که این هم جزء جوجانان بود. (منهاج سراج، ج ۲، ۲۲۷) بودن محله‌های مثل (عربخانه)

و (عرب قیشلاق) در بیشتر قسمت‌های شمالی مانند سرپل، شبرقان، آقچه و بقیه جاها و همچنین روستاهای عرب نشین خود شاهی بر وجود اعراب در افغانستان مخصوصاً جوزجانان می‌باشد. (یارقین، ۴۰)

در کتاب حدود العالم در مورد اعراب جوزجانان آمده است که این اعراب مردم‌های هست که کار اصلی آن‌ها پرورش گوسفند هست و تحت فرمان پادشاهان جوزجانان بوده که مالیات خود را به آن می‌دادند و یکی دیگر از خصلت‌های آن اینکه این عرب‌ها نسبت به سایر اعراب در خراسان قدرتمندتر بوده است (مؤلف ناشناخته، ۶۱) و به گفته وی اعراب جوزجان در تابستان در منطقه (حوش) که قریه‌ای آباد بوده ساکن می‌شدند. (همان) در مورد مشخصات ظاهری اعراب جوزجانان این آمده که اکثراً سیاه چهره و دارای ریشی انبوه، چهره بشاش، چشمان بزرگ، سرعت زیاد در حرف زدن و عصبانیت و ادا کردن حروف حلقی به صورت واضح. (یارقین، ۴۳)

عرب‌ها در جوزجان به سه گروه زبانی تقسیم شده‌اند:

۱- عرب‌هایی که به زبان عربی صحبت می‌کنند و فقط چهار قریه شمالی وجود دارد که در آن‌ها عرب‌های عرب‌زبان هستند. این قریه‌ها عبارت‌اند از: (حسن آباد و سلطان آباد) که از ولایت جوزجان هست و (یخدان، خوشحال آباد) که از دولت آباد بلخ هست. عرب‌های جوزجان و شمال افغانستان به خاطر اینکه کلمه (انت و انتم) و یا (ایش مقول) که معانی آن‌ها (تو و شما) و (چه می‌گویی؟) می‌باشد را زیاد در مکالمه‌های خود به کار می‌برند آن‌ها را مردم جوزجان (عرب‌های انتولی) می‌گویند. (نسیم، شماره ۶، ۶۵)

۲- عرب‌هایی که به زبان دری صحبت می‌کنند در قریه‌های مانند: (نکرآباد، ینگ، ینگ، گله موش، افغان تپه عربیه) و همچنین در قریه‌های اطراف شبرغان و بعضی از ولسوالی‌های آقچه، خانقاه، مردیان و فیض آباد وجود دارند که تعداد آن‌ها خیلی اندک می‌باشند.

۳- عرب‌هایی که به زبان اوزبکی، در قریه‌های جلال آباد شبرغان و عربخانه شبرغان و همچنین در ولسوالی خواجه دو کوه زندگی می‌کنند که تعدادشان کم می‌باشند. (یارقین، ۴۴)

علاوه بر اینکه در جوزجانان وجود داشتند خواه در بعضی مناطق تعدادشان بی‌شمار و خواه بعضی مناطق اندک بودند، فعلاً هم عرب‌ها همان‌طور که اشاره کردیم در جوزجانان قدیم موجود می‌باشند و آن‌ها در بیشتر نقاط افغانستان هم زندگی می‌کنند و مخصوصاً در ولایت‌های شمالی، مکان‌های را که آن‌ها در آنجا وجود دارد به اسم‌های (عرب خانه زاد یا خان زاده، عرب النچری یا علم جری، عرب خاکمال، عرب قومی، عرب چغیر، عرب قاری، عرب التی شاهی، عرب ژنده

فیلی و ... می‌خوانند. (همان، ۴۳)

کرد

کردها جزئی از قوم‌های آریایی هستند که محل سکونت آن‌ها کوهستان‌های غربی ایران، عراق و ترکیه و بخش خیلی کوچکی از سوریه می‌باشد. بعد از سلسله ساسانیان وقتی خراسان به دست اعراب افتاد که کردها از اعراب اطاعت نکرده که به کوهستان‌های غرب رفتند. (متقی زاده، ۱۱۳). ساسانیان، چوپانان کرد را از محل سکونتشان که کوهستان‌های صعب‌العبور بود به‌عنوان برده و مزدور برای دفاع از مرزهای شرقی ایران به خراسان می‌آوردند و آن‌ها را در آنجا ساکن می‌کردند. (مؤلف ناشناخته، ۶۱)

اندخوی یکی از شهرهای جوجانان که در سده‌های میانی مرکز آن اشترج و کندرم بوده بزرگ‌ترین شهر جوجان شمرده می‌شده که کردهای جوجانان در این شهر زندگی می‌کردند. (اصطخری، ۲۷۰) ابن حوقل در مورد کردهای جوجان می‌نویسد: «اندخوی شهر کوچکی است در میان بیابان، هفت قریه اطراف آن است که اکراد دامپرور (صحرانشین) در آنجا سکونت دارند». (ابن حوقل، ۱۷۷) همچنین در کتاب حدودالعالم آمده است که در محدوده جوجان مردمانی از ترکان خلج زندگی می‌کردند.

اما در مورد مذهب کردها، اینکه آن‌ها دارای مذاهب گوناگونی می‌باشد و بیشتر آنان پیرو مذهب تسنن و شافعی بوده و تعداد اندکی شیعه می‌باشد. (موسسه شیعه شناسی، ۱۷۳) کردهای خراسان به زبان کردی صحبت می‌کنند که خودشان به این زبان «کرمانجی» می‌گویند. (یزدانقلی، ۲)

ترک

قومی دیگر از اقوام حاضر در خراسان که در منطقه جوجانان وجود داشت ترک‌ها بودند. این قوم بیشتر در مناطق شمالی افغانستان زندگی می‌کردند و بیشتر به ازبک‌ها شهرت گرفته‌اند ولی ازبک‌ها یک شاخه از ترک‌ها می‌باشد. اقوام ترک با زبان ترکی ولی با لهجه‌های ازبکی و ترکمنی صحبت می‌کنند. (دولت‌آبادی، ۲۹) ترکان مردمانی شورشگر بودند که در سال ۱۱۷هـ. ق) ترکان خراسان دست به شورش زدند و نتیجه آن شده که همه‌چیز را به غارت بردند و در مقابل ترکان اسد بن عبدالله القسری البجلی برخاست و آن‌ها را شکست داد. (حاجی خلیفه، ۲۲۸) ازجمله عواملی که باعث شد ترکان به خراسان بیایند، زیادشدن تعدادشان، کافی نبودن

چراگاه‌ها، عواملی سیاسی به خاطر تسلط بر سرزمین‌ها، تشکیل حاکمیت‌ها، جنگ‌ها و یورش‌ها می‌تواند باشد. (یارقین، ۳۳) گروهی از ترکان به اسم (خلج-خلج)، (عتبی، ۵۸۴) که از طوایف چادر نشین ترک هستند، این ترکان حضور پر رنگی در این مناطق داشتند به‌خصوص در ولایت بلخ، ترکان بلخ را به‌عنوان پایتخت خود قرار داده بودند. (ابن خلدون، ج ۱، ۱۱۶ و ۱۱۷) و از چپاول و کشتار در شهرهای خراسان دست کشیده بودند. (ابن اثیر، ج ۲۷، ۲۷)

ترکان در جوزجان (گوزگان) و طالقان حضور داشتند و در آنجا زندگی می‌کردند و به فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند. (ابن خلدون، ج ۱، ۱۱۶ و ۱۱۷). و جوزجان یکی از ناحیه‌های بودند که ترکان خلج در آن سکونت داشتند. (مؤلف ناشناخته، ۶۴) در سال (۱۱۹ هـ ق - ۷۳۷ م) قوای متحد خاقان و ملک سغد و ترکان با مسلمانان در جوزجان به جنگ پرداختند که نتیجه جنگ منجر به شکست قوای متحد خاقان شد. (طبری، ۵/۴۵۲)

و در زمان سلسله ساسانی در مرزهای شرقی دولت ساسانیان، آن‌ها با ترکان در حال جنگ بودند که محل ذخیره غلات و وسایل جنگی ساسانیان شهر انبار در جوزجان بود. (یاقوت حموی، ج ۱، ۳۱۷) این‌ها خود نشان‌دهنده حضور ترکان در منطقه جوزجانان می‌باشد چه قبل از جنگ‌ها و چه بعد از آن‌ها که حضورشان پر رنگ‌تر شده است.

ازبک

در رابطه با حضور ازبک‌ها در خراسان به‌ویژه بحث مورد نظر ما در جوزجانان، می‌توان گفت که همان دلایل و عواملی را که برای مهاجرت و حضور ترکان به خراسان آوردیم، برای ازبک‌ها هم همان عوامل را آورد، چرا که پیشینه اوزبک‌ها با تاریخ و پیشینه ترکان در این منطقه ارتباط محکم و ناگسستگی دارد. همان‌طور که مؤلف کتاب (تاریخ مقیم خانی) محمد یوسف شبرغانی که اثرش را در عهد هشتراخانیان نوشته می‌نویسد که: «در این روزگار در بلخ و نواحی مربوط به آن نمایندگان ۹۲ قبیله اوزبیک زندگی می‌کردند». در آن روزگار (جوزجان، شبرغان و سرپل و اندخوی و ... از نواحی بلخ بوده است. (یارقین، ۳۴)

از آنجایی که ترکان بیشتر در منطقه‌های شمال افغانستان زندگی می‌کنند، غالباً به ازبک‌ها شهرت گرفته‌اند ولی این در حالی می‌باشد که ازبک‌ها یک گروه و قومی از ترک‌ها می‌باشد. (دولت‌آبادی، ۲۹) فعلاً در افغانستان از ۹۲ قبایل اوزبک در حدود ۳۰ قبیله اصلی و ده‌ها قبیله و قوم فرعی منشعب شده زندگی می‌کنند. (یارقین، ۳۵)

هزاره

بحث در مورد اقوام هزاره بسیار گسترده است و از آنجا که این قوم یکی از بزرگ‌ترین اقوام افغانستان می‌باشد لذا گفت‌وگو از آن یک مبحث جداگانه و مفصل می‌خواهد که به علت طولانی شدن نوشتار از آن صرف‌نظر می‌کنیم و فقط به صورت اجمال به آن پرداخته خواهد شد.

در مورد واژه هزاره اطلاق هم بر خود قوم و هم بر افراد آن می‌شود، اما در مورد اصل و ریشه این واژه نظرات مختلفی و زیادی وجود دارد که به چند مورد آن اشاره خواهیم کرد.

۱- گروهی که آن را از ترجمه فارسی واژه مغولی (مینگ یا مینگان) به معنای (هزار) می‌داند. از آنجا که مغولان نظامیان خود را به گروه‌های ده، صد و هزار نفری تقسیم می‌کردند و مینگ به گروه هزارنفری گفته می‌شده، گروهی که هزاره را به این معنا می‌دانند بر این باورند که اقوام هزاره از بازماندگان لشکر مغول هستند.

۲- گروهی هم نظرشان بر این است که هزاره‌ها، قرن‌ها پیش از حمله مغول به خراسان، در آنجا سکونت داشته‌اند و هزاره را یک واژه آریایی به معنی خوش‌دل و خوش‌قلب می‌دانند. (موسوی، ۴۹)

۳- عده‌ای هم هزاره را به معنای (هزار) آورده و بر این عقیده هستند که اقوام هزاره از آنجا که سالیانه هزار اسب به حکومت مالیات می‌دادند، به این اسم خوانده شدند. (فرهنگ، ۲۷۶-۲۷۷)

همه‌ی این اختلافات در مورد واژه هزاره، برمی‌گردد به اختلاف‌های درباره سابقه تاریخی این مردم، عده‌ای آنان را از ساکنان قدیمی افغانستان می‌دانند و عده دیگر از حضور هزاره‌ها در زمان هجوم اسکندر به این سرزمین یاد می‌کنند. (موسوی، ۴۶-۴۷). و برخی هم هزاره‌ها را از بازماندگان سربازان مغول می‌داند. (همان، ۴۹) و دسته دیگر آن‌ها را از اقوامی مانند مغول، تاجیک، افغان و اقوام دیگر این سرزمین می‌داند. (همان، ۵۵-۵۸) که پس از مدتی با ازدواج و اختلاط با این اقوام، قوم جدیدی به اسم هزاره به وجود آمدند. (ناصری داودی، ۲۳).

با استفاده از اسناد مکتوب (نائل، ۲۸-۳۲) و آثار باستانی باقی‌مانده از محل سکونت هزاره‌ها، (برای مثال، مجسمه‌های معروف بامیان و نقاشی‌های داخل مغازه‌های اطراف آن‌ها که به قرن‌های پنج و شش میلادی بازمی‌گردد، به‌خوبی از همانندی سازندگان آن‌ها با ساکنان امروزی این سرزمین حکایت دارد.) به این نتیجه رسیده‌اند که آن‌ها چندین قرن پیش از حمله مغول در این سرزمین زندگی می‌کردند. (بختیاری، ۱۱۱) هزاره‌ها را می‌گویند از نژاد تاتارند (برای آگاهی

بیشتر مراجعه شود به «پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها» ج ۱، ۱۵۵-۲۰۷) و در منطقه بزرگ کوهستانی مرکزی افغانستان سکونت دارند که این منطقه توسط جغرافی‌دانان باستان به نام (پاراپامیزوس) نام نهاده شده است که فعلاً آن را (هزارجات و هزارستان) می‌خوانند. (میتلند، ۱۳) اقوام هزاره هم خود دارای طایفه‌های مختلفی می‌باشند که عبارت‌اند از: (دای‌چوپان، دای‌ختای، دایکندی، بهسود، دایزنگی، جاغوری، پولادی و شیخ‌علی). (پولادی، ۶۰-۷۰)

هزاره‌ها علاوه بر مناطق مرکزی و شمال شرقی و شمالی در بیشتر شهرهای بزرگ حضور دارند و زندگی می‌کنند. مذهب بیشتر قوم هزاره شیعه جعفری می‌باشد ولی تعداد کمی از آن‌ها اهل سنت و شیعه اسماعیلیه می‌باشد (دولت‌آبادی، ۲۸ و ۳۶) که هزارجات از مهم‌ترین مرکز سکونت شیعیان افغانستان می‌باشد. (شیروانی، ۴۸۴) طی جنگ‌های که بر علیه آنان به راه انداختند تعداد زیادی از آنان سرزمینشان را ترک کردند. هزارجات شامل شهرهای مانند بامیان، غزنی، ارزگان، وردک، میدان، غور، پروان، سمنگان و جوزجان می‌باشد. (فاضلی‌نیا، ۱۷۰)

و در رابطه با توزیع جمعیت و فعالیت شیعیان افغانستان می‌توان گفت که در جاهای مختلفی قرار گرفته و از جاهای مهم آن‌ها هزارجات می‌باشد که شهرهای آن بیان شد و شیعیان شمال که بیشترین جمعیت شیعیان را دارد مخصوصاً جوزجان و بلخ هستند. (همان) در قرن‌های چهارم و پنجم هجری گسترش شیعه در شهرهای بلخ و جوزجان رشد چشم‌گیری داشته بود و تحولاتی در این رابطه ایجاد شد. (جعفریان، ۳۰۹) با توجه به نظرات مختلفی که قبلاً گفته شد حضور اقوام هزاره در خراسان قدیم و بیشتر شهرهای آن به زمان‌های خیلی قدیم می‌رسد و در جای‌جای افغانستان سکونت و فعالیت داشتند و چه‌بسا بیشتر اوقات به خاطر نژاد و مذهبی که داشتند مورد آزار و اذیت حاکمان ظالم قرار گرفته‌اند و هر جای که اسمی از هزاره و اقوام هزاره بیابید بلافاصله بحث مذهبی و شیعه هم حتماً می‌آید بخصوص در بحث مورد نظر ما جوزجانان.

اینکه اقوام هزاره در این محدوده زمانی در منطقه جوزجانان حضور داشته‌اند یا نه؟ با صراحت نمی‌توان گفت و اطلاع دقیقی در منابع موجود نمی‌باشد. ولی با توجه به نظرات مختلفی که وجود دارد و بخشی از آن را در این قسمت آوردیم و نظر به شواهد تاریخی و باستانی به این مطلب می‌رسیم که از آنجا که اقوام هزاره قرن‌ها پیش از حمله مغول در سرزمین خراسان زندگی می‌کردند و در شهرهای مختلف آن بوده است، طبعاً در سرزمین جوزجانان هم حضور داشتند.

ب) طبقات اجتماعی

ولایت جوجانان هم مانند سایر ولایت‌های خراسان بزرگ که در خود تجربه حکومت‌های بزرگ با حکمرانی حاکمان را دیده و شامل مردمانی در جایگاه‌های مختلفی از نظر طبقه اجتماعی می‌باشد. جوجانان هم دارای طبقات اجتماعی می‌باشد که در اینجا به آن پرداخته خواهد شد.

حاکمان

این طبقه از جامعه گروه حاکمان و ممتاز جامعه را شامل می‌شد، که مختص امراء، اشراف خانواده‌های سلطنتی بود و کسانی که مسئولیت‌های مهم و حساس جامعه را بر عهده داشتند. بعضی از خاندان‌های قدیم که به صورت حکمرانی بر جامعه حکومت می‌کردند و در طبقه اول جامعه قرار داشتند و می‌توان کابلشاه، رتبیل زابل، شیر بامیان، سهراب طالقان و گوزگان خدا (پادشاهان جوجانان) را نام برد. (جعفریان، ۳۰۹) جوجانان هم مانند سایر بلاد دارای حاکمان و پادشاهانی بودن که هر کدام در هر دوره‌ای از زمان دارای ویژگی‌های بودند که معلوم می‌شد که این پادشاه مختص به کدام سرزمین می‌باشد، مثلاً اسم پادشاهان جوجانان (گوزگان خدا) بود که با مناطق اطراف فرق داشت.

افراد این قشر از جامعه حاکمان مطلق بودند که بیشتر آن‌ها حضور اسلام را پذیرفتند که تا چندین قرن بعد از دوره‌های اسلامی همچنان بر قدرت خود باقی بودند. (حبیبی، ۵۹۶) مانند دودمان (سامان خدات) که در منطقه سامان بلخ ریاست داشتند (همان) اسپوهران، در سلسله ساسانیان بالاترین مرتبه اجتماعی بود که در عربی به «اهل البوتات» نوشته و آورده شده است. منظور از اهل بیوتات افرادی بودند که به یکی از خاندان‌های هفت‌گانه (خاندان ساسانی، خاندان قارن، خاندان سورن، خاندان اسپهبد، خاندان اسپندیار، خاندان مهران و خاندان زیک) تعلق داشتند می‌گفتند. (محمدی ملایری، ج ۳، ۳۵۸)

اهل بیوتات که به معنای کلی بر (اشراف) اطلاق می‌گردید آن‌ها فعالیت‌های مانند کارهای دیوانی و همچنین در حکومت‌های محلی ایفای نقش می‌کردند و فعالیت داشتند. (کریستن سین، ۷۸) این منصب در دوره ساسانی و در قلمرو آن‌ها قرار داشت که از آن جمله جوجانان می‌باشد که حکومت محلی آل فریغون، بر آن حکومت رانی داشت و (جعفرین سهل مرزبان) از جمله اهل بیوتات آنان در جوجانان بود. (ابن حوقل، ۶۰ و اصطخری، ۱۴۸) این طبقه از جامعه اختیارات زیادی از جمله صحبت با حاکمان، شرکت در مجالس مهم دولتی و غیره را داشتند.

(پرویز، ۳۶۷)

دهقانان (زمین‌داران)

دهقان از کله دهیو (ولایت) (سین، ۶) + گان، دهگان ساخته شده و آن به معانی (مالک قریه، روستا و کلان شونده ولایت) می‌باشد. اعراب در خراسان موقعی که آمدن و در هر شهری دهگان را به‌عنوان بزرگ کننده زمین‌های کشاورزی و ولایت دیدند، کلمه دهگان را معرب کردند و به آن دهقان گفتند. مسعودی در مورد دهقانان می‌گوید که آنان از فرزندان (دهکرت) از نوادگان کیومرث می‌باشد که وی ده فرزند داشته که فرزندانش دهقان بودند. (مسعودی، ۲۴۲) و دهقانان به این ده فرزند دهکرت می‌رسند. (محمّدی ملایری، ج ۳، ۳۵۹) کریستن سین می‌گوید که «دهقانان گروهی بودند که امور حکومت بدون دستیاری ایشان جریان نمی‌یافت.» (سین، ۱۴۴)

جوزجانان منطقه ای می‌باشد که در آن شغل اکثر مردمان آنان کشاورزی می‌باشد، چرا که بیشتر زمین‌های جوزجانان برای کشاورزی و محصولات کشاورزی از مرغوبیت خوبی برخوردار بودند. لذا کشاورزان و دهقانان در این سرزمین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند و از طرف دستگاه حکومت توجه خاصی به آن‌ها می‌شد.

دهقانان طبقه از جامعه بودند که جزئی از بزرگان و اشراف محسوب می‌شدند. دارای خصایص ویژه‌ای بودند، آن‌ها چه قبل از اسلام و چه بعد از آن از جمله عوامل خیلی مهم و از پایه‌های دیوانی به حساب می‌آمد و مردم از مراجعه‌کنندگان اصلی آنان بود. (همان، ۳۵۷) البته این گروه در دوران قبل از اسلام جایگاه و اعتبار ویژه‌ای داشتند (فرای، ۵۶) آنان به خاطر اینکه به زمین مرتبط بودند و با کشاورزان و قریه سروکار و نشست و برخواست داشتند در بین آن‌ها زندگی می‌کردند و جزء اصلی نظام مالی و اداری حکومت وقت قرار داشتند و این منصب را به ارث می‌بردند.

می‌توان به‌طور کلی حضور دهقانان را برای هر دوره‌ای و هر حکومتی ضروری دانست با توجه به نقش‌ها و فعالیت‌های که داشتند برای حکومت‌ها از نظر اقتصادی مهم بودند و مورد توجه حکومت‌ها بودند. آن‌ها در همه مناطق حضور داشتند مخصوصاً ولایت‌های که زمین‌های آن‌ها قابلیت کشاورزی در سطح کثیری مانند ولایت جوزجانان می‌باشد.

رعایا و بردگان بل

رعایا از طبقات طبقه بندی شده در عصر ساسانیان می باشد که بخشی از جامعه بودند و از ارکان اصلی جامعه به حساب می آید رعایا مجموعه ای از کشاورزان، پیشه‌وران، بازرگانان، برزیگران و خدمتگزاران را شامل می شد. (حبیبی، ۶۰۹) جوجانان که بخشی کوچکی از مناطق تحت سلطنت ساسانیان بود هم شامل این طبقه بندی شده و در آن رعایا و بردگان با همان طبقه بند خاص در جامعه حضور داشتند، مسلماً در هر جایی که حکومت و حکومت رانی در آن سرزمین باشد یک عده از جامعه زیر فرمان حاکمان و حکومت های محلی کوچک قرار گرفته و به عنوان رعیت و برده آن ها را به کار می گرفتند و سرزمین جوجانان هم دارای چنین طبقه ای از جامعه با ویژگی هایش بود.

این قشر از باقی مانده های آریائی قدیم در خراسان بوده و در هنگام روشنائی اسلام اعراب آن ها را (طاجیه) می گفتند، طاجیه هیکل نیرومند داشت. (جرجی زیدان، ج ۵، ۱۶) طبقه عامه مردم در دربار حکومتی نماینده ای را داشتند به اسم (هتخش بد یا واستریوش بد) و این ها از حقوق این مردم دفاع و نماینده آن ها محسوب می شدند. (حبیبی، ۶۰۹) رعایا در زمین های کشاورزی کار می کردند و زیر نظر دهقانان بودند و به حکومت خراج می دادند. (فرای، ج ۴، ۴۳) غلامان هم وظایفی را بر عهده داشتند، کشاورزی، خدمتکاری در قصرهای حاکمان و به عنوان غلام در آنجا فعالیت می کردند. در زمان دوره اسلامی فاتحان عرب غلامان خیلی زیادی داشتند که مورخان از وجود هزاران غلام در رکاب امیرانشان نقل کرده اند برای مثال می توان رافع بن هرثمه که والی خراسان بود چهار هزار غلام خراسان در خدمت وی بوده است. (جرجی زیدان، ج ۵، ۲۵) ابن حوقل در مورد غلامان خراسان می گوید که غلامان تورکی خراسان از نظر قیمت و زیبایی بی نظیر هستند. (ابن حوقل، ج ۲، ۴۵۲)

خصوصیات جمعی مردم جوجانان

برجسته ترین خصوصیت جمعی مردمان جوجانان، بخشندگی، مهمان نوازی و سخاوتمندی آنان بود که هم مردم و هم بعضی از حکام مانند حاکمان آل فریغون به این صفات مزین بودند. بعضی از مورخان و شاعران به سخاوتمندی حاکمان آل فریغون که در جوجانان حکمرانی می کردند، در متن و اشعار خود توصیفات آورده مانند غریب نوازی، (منجم باشی، ج ۲، ۲۷۰) لطف کردن (عوفی، ۲۶) و مروت. (عتبی، ۲۹۴) و اما از خصوصیات جمعی حاکمان آل فریغون در جوجان که در زمینه حکمرانی عملکردهای خوبی داشتن، اجرای عدالت می باشد که مقدسی در

بیان توصیف بخش‌های گوناگون خراسان می‌گوید که «خراسان امیرنشین‌های مرفه و دادگستر دارد مانند عجز که شار ایشان خردمندی چون عمرین دادگستر است... و فریغونیان که نزد ایشان داد و وفاداری همگانی است...». (مقدسی، ۴۲۹) مردم جوزجانان در جود و کرم زبان زد آن دوره تاریخی بوده به‌خصوص در مهمان‌نوازی که موردستایش حاکمان قرار گرفته است. (همدانی، ۲۹۰) و دیگر خصایص مردم جوزجانان که در حدودالعالم آمده است می‌توان به دلاور بودن، شجاع بودن و مردان جنگی بودن اشاره کرد. (مؤلف ناشناخته، ۵۹-۶۰)

با توجه به مطالبی که در مورد طبقات اجتماعی جامعه آمد و شامل بیشتر جوامع آن روز می‌شود به این مطلب پی می‌بریم که مردمان هر جامعه با قرار گرفتن در یکی از این طبقات دارای چه شرایطی و موقعیتی در این محدوده زمانی بوده است و گروه‌های اجتماعی معمولاً در همه‌جا رایج بوده همچنان که در خراسان و علاوه بر آن دیگر جاها جامعه به گروه‌های مختلفی طبقه بندی شده مثل طبقات (حاکمان، دهقانان، رعایا و بردگان) که هر کدام شرایط خاص خود را داشته است، این طبقات در بیشتر شهرهای خراسان برای جوامع آن و مخصوصاً جوزجانان را هم شامل شده و بر همین روال بوده است. اهل جوزجانان در روابط اجتماعی با سایر اقشار و شهرهای اطراف از جایگاه خوبی برخوردار بودند و تقریباً با همه تعامل داشتند همچنان که در بحث اقتصاد و در بخش‌های تجارت و دادوستد مردمان جوزجانان با شهرهای مختلف خراسان به آن اشاره شده است که چه تعاملاتی ازجمله روابط اجتماعی را داشته طوری که محصولات کشاورزی، صنعت و دامپروری آنان به اکثر نقاط خراسان می‌رفته است و می‌توان گفت که خود یک نوع تبلیغ مردمان جوزجانان به سایر نقاط بوده است.

اوضاع اقتصادی

جوزجانان از ورود اسلام تا قرن هفتم هجری از لحاظ اقتصادی در جایگاه ویژه‌ای قرار داشته است. عواملی مانند زمین‌های حاصلخیز و رودهای خروشان در بحث کشاورزی که باعث شده محصولات این بخش مانند انگور و گردو به شهرت خوبی برسد و دامپروری جوزجانان که خود یکی از پایه‌های اقتصادی این منطقه به‌حساب می‌رفت که پوست قره قل آن مشهور بوده و به تمام نقاط خراسان صادر می‌شد. همچنین در این ناحیه پرورش گاو نسبت با سایر مناطق زیاد بوده است و از عوامل دیگر اقتصادی جوزجانان معادن غنی این منطقه می‌باشد که تا به امروز هم بعضی از معادن آن در حال بهره‌برداری است. می‌توان در یک جمله گفت که اوضاع

اقتصادی جوزجانان در این محدوده زمانی از شرایط خوبی برخوردار بوده و تعاملاتی زیادی در بحث اقتصادی با سایر مناطق خراسان داشته و همین امر باعث بالا رفتن اقتصاد این منطقه شده است. در این قسمت به بخش‌های در رابطه با اقتصاد جوزجانان اشاره می‌کنیم و اینکه چه عواملی باعث گشته که اقتصاد این منطقه در این دوره زمانی رشد کند.

کشاورزی

سرزمین بزرگ خراسان با ولایت‌های طرف شرق آن تا سند سرزمینی بزرگ و منابع فراوان آب و رودهای خروشان داشت. کوهستان پامیر و هندوکش و کوه بابا و سطح بلند غور و غزنه دریاها و رودهای پر خروشی را به هر طرف جاری ساخته است و زمین‌های زیادی را سیراب می‌کرد و می‌توان اهمیت کشاورزی را بر این نقاط مهم که در شمال جریان‌های بزرگ آمو از پامیر برخاسته و دریاها و رودخانه‌های شمالی و جنوبی به آن برخورد کرده است را رساند. این منطقه بزرگ کشاورزی را «ساحه زراعتی آمو» می‌گویند، در شمال سرزمین‌های بزرگ که کشاورزی در آن به نحو خوبی می‌شود در سغد و بخارا و خوارزم و در جنوب زمین‌های زرخیز تخار و بلخ و جوزجان را تا فاریاب را شامل این قسمت می‌شود. (حبیبی، ۴۴۶)

در دوره‌های اول اسلامی جهانگرد چینی بنام هیون تسنگ در سال (۹ هـ ۶۳۰ م) به مناطقی که بعدها زیرمجموعه افغانستان شده آمده است و احوال آن را دیده و گزارش‌ها مطلوبی را در رابطه با بحث کشاورزی و محصولات آن ذکر کرده است.

محصولات کشاورزی:

- ۱- جوزجانان ولایتی که دارای رودهای خروشان و پرآب و محلی برای پرورش اسب‌های اصیل و همچنین دارای چراگاه‌های مناسب برای دام‌ها می‌باشد. در کوهستانات این منطقه که آن را کی-چی (گز) می‌نامیدند، انواع سبزی‌های و غله زیاد و گل و میوه در این قسمت کم بود. (حبیبی، ۴۴۷)
- ۲- انگور و تاکستان‌ها (باغ‌های انگور) انبار مشهور و زیانزد بوده است (ابن حوقل). (همان، ۴۵۵)
- ۳- گردو (جوز) شهر گوزکان (جوزجان) مانند شهرهای که داری گردو بود قابل توجه بود. (اصطخری، ۲۷۰)
- ۴- وجود مرکبات در جوزجان که محصول این ناحیه بزرگ بوده است. (اصطخری، ۲۸۰؛

مؤلف ناشناخته، ۱۰۸)

تولیدات کشاورزی با وجود اینکه قسمت اعظم سرزمین از صحرا و یا کوهستان تشکیل شده بود، بسیار گوناگون بود و در کنار آن حوزه وسیعی نیز وجود داشت که به علت زمین‌های خوب و مرغوب کشاورزی اش معروف بود که از آن جمله ناحیه جوزجانان و شهرهایش می‌باشد. (مقدسی، ۳۰۷، ۳۰۳ و ۳۰۸)

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم جوزجانان در زمینه کشاورزی در جایگاه خوبی قرار داشته و فعالیت‌های گسترده‌ای در این زمینه داشته است، جوزجانان هم مثل اکثر شهرهای خراسان از طریق‌های مختلفی برای کشاورزی و آبیاری مناطق تحت زرع استفاده می‌کردند که هر کدام ویژگی‌ها خود را داشت که در این منطقه به آن‌ها پرداخته شده است که روند کشاورزی و آبیاری را تسهیل کند.

سیستم آبیاری

مناطق که الآن آن را افغانستان می‌گویند، دریاها و رودخانه‌های پرآب و خروشان داشت که یکی از مصارف مهم آن‌ها کشاورزی می‌باشد و استفاده از این آب‌ها برای کشاورزان یک امر حیاتی و مهم بوده چرا که اکثر فعالیت آن‌ها مخصوصاً در جوزجانان کشاورزی بوده است. این منابع عظیم آبی را به دو صورت مورد استفاده قرار می‌دادند.

نهرها: با کندن نهرها و جوی‌های از دریاها و از رودخانه‌های بزرگ شروع می‌شد و آب‌های فراوانی را از این طریق به زمین‌های کشاورزی و شهرها آب را هدایت می‌کردند. این‌گونه از خدمات مانند کندن نهرها که برای عموم استفاده می‌شد، جزء وظایف حکومت بوده و هزینه‌های آن از خزانه دولت پرداخت می‌شد. (همان) این روند حفر نهر در جوزجانان هم رواج داشت و از آن برای مصارف گوناگون استفاده می‌شد.

کاریز: استفاده از کاریز برای بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در اوایل دوره‌های اسلام مرسوم بود و در بیشتر شهرها با حفر کندن کاریز از آب‌های زیرزمینی نهایت استفاده را می‌بردند. لذا مردمان این مناطق در شناسایی موقعیت و کندن کاریز دست توانایی داشتند. (ابن حوقل، ۴۳۵) جوزجانان هم دارای کاریزهای بوده که جهت انتقال آب‌های زیرزمینی از آن استفاده می‌کرده است و این سبک ایجاد کاریز همان‌طور که اشاره شده در تمام خراسان مرسوم بوده. در جوزجانان از آب‌های که از راه‌های مختلف همچون نهر و کاریز منتقل می‌شد در جهات گوناگونی استفاده می‌شد و می‌توان از مهم‌ترین آن‌های کشاورزی را نام برد.

جهانگردان و مورخان همچون: مارکوپولو، مقدسی، ابن حوقل، یاقوت حموی، اصطخری، محمود بن امیر ولی و مؤلف کتاب جغرافیای مشهور (حدود العالم) از حاصلخیز بودن جوزجانان زیاد سخن گفته و از برخی محصولات کشاورزی این ولایت مانند خربزه و انگور تعریف زیاد کرده است. (یارقین، ۴) جوزجانان به سبب آبوهوای مطلوب و زمینه‌های حاصلخیزی که دارد، از نظر کشاورزی و باغداری مشهور شده است و یکی از این دلایل می‌تواند رودخانه‌های بزرگ و کوچک در جوزجان باشد که زمین‌های این منطقه را به بهترین زمین‌های حاصلخیز تبدیل کرده است. علاوه بر آن از جیحون هم به‌عنوان آبرسان اصلی استفاده می‌کردند. (کزروان، به‌احتمال قوی، همان شهر (کزروان - جرزوان) (جوزجانان، گوزگانان می‌باشد) (سیستانی، ۱۰۹- ۱۱۰) بیشتر شهرهای جوزجانان دارای زمین‌های حاصلخیز بوده و محصولات بخصوصی را داشته است که محصولات آن‌ها را به دیگر جاها هم می‌بردند از آن جمله می‌توان به محصول شهر کندرم که گردو، بادام و انگور می‌باشد اشاره کرد (ابن حوقل، ۱۷۷) جوز کوهی محصول شهر سان (اصطخری، ۲۷۰) و شهر انبار دارای تاکستان‌های بزرگ بوده است. (همان) و همچنین این منطقه دارای درختانی بوده که چوب آن‌ها را (خنج) می‌گفتند و ویژگی‌های این چوب که در کتاب حدودالعالم آمده است که چوب این درخت خشک نمی‌شود و دارای نرمی خاصی می‌باشد که می‌توان از آن تازیانه و گره درست کرد. (مؤلف ناشناخته، ۵۹؛ منهج سراج، ج ۲، ص ۲۲۶)

دام‌پروری

از آنجا که جوزجانان دارای منطقه‌ای خوش آبوهوا و زمین‌های حاصلخیز بود لذا در این منطقه زمین‌های بسیار زیادی به‌عنوان چراگاه‌ها استفاده می‌شده و پرورش گاو، شتر، اسب و گوسفند زیاد بوده و دام‌پروری یکی از منابع اقتصادی جوزجانان به‌حساب می‌آمده و با آن دادوستد می‌کرده است. پرورش دام با کشاورزی رابطه نزدیکی داشت و هر جا که کشاورزی بوده حتماً دام‌پروری هم در آن رونق داشته است.

گوسفند: گوسفند حیوان کوچک خانگی که در سراسر کشور و به‌خصوص در جوزجان به‌عنوان تأمین‌کننده گوشت، شیر، پشم و پوست نگهداری می‌شد. (مقدسی، ۳۵۶؛ اصطخری، ۲۰۳) پرورش گوسفند در میان ترکان و اعراب جوزجان بیشتر به چشم می‌خورد. یکی از شهرهای جوزجان که در پرورش این حیوان شهرت گرفته است، شهر سان می‌باشد. (حدود العالم، ۶۰) گاو: پرورش گاو در دیگر مناطق بسیار کم بوده است (اشپولر، ج ۲، ۲۰۷) و فقط در جوزجان

گزارش شده است. (برتولد ج ۲، ۲۰۷)

شتر: شتر به عنوان یک حیوان خانگی اهمیت بسزایی در حیوان سواری و باری داشت. بلخ در پرورش این حیوان تجربه فراوانی داشت. (اصطخری، ۲۰۸) سایر نواحی خراسان در پرورش شتر معروف بود که از جمله آن ناحیه‌ها، نواحی سکونت قبایل کوچ‌نشین «کرد» در گوزکان (جوزجان) مانند شهر اندخوی رواج داشت (ابن حوقل، ۱۷۷؛ اصطخری، ۲۷۱) و همچنین مانند اعراب ابتدایی در گوزکان. (مؤلف ناشناخته، ۱۰۸) اعراب جوزجانان به پرورش شتر در بیابان‌های جوزجان بخصوص در دشت قاق و حوش پرداخته بودند. (همان، ۶۱)

اسب: جوزجانان (گوزکان) (همان، ۱۰۶) دارای اسب‌های خیلی زیادی بوده و یکی از مراکز مهم نگهداری و پرورش اسب در خراسان بزرگ بوده است. در این منطقه آن قدر پرورش اسب رواج داشته که می‌گویند در ایام نوروز و در آغل اسبان احمد بن فریغون هزار کره اسب زاییده شده است. (المعالی، ۹۰) نمد و حقیبه و تنگ اسپ و زیلوی و پلاس در این منطقه به خاطر دام‌پروری زیاد بوده است و وسیله‌ای برای کسب درآمد ساکنان آنجا بوده است. (منهاج سراج، ج ۲، ۲۲۶)

هیون تسانگ جهانگرد چینی، در این رابطه گفته است که: «جوزجان هوشی کین دارای مراتع و رودخانه‌های فراوان و مکان مناسبی برای پرورش اسب‌های خوب شمرده می‌شود». (حبیبی، ۴۵۲)

مرکز پوست (انبار)

انبار که پایتخت جوزجانان (گوزگانان) بود یکی از مراکز اصلی صادرات (پوست جوزجانی) می‌باشد که از این محل به بیشتر نقاط جهان می‌بردند (حدودالعالم) و نام خاص این پوست، قره قل (یک نژاد گوسفند که دارای پوست مرغوب و به شکل حلقه‌ای هست) می‌باشد و بیشتر این پوست‌های که صادر می‌شدند از همین نوع (قره قل) بودند. (همان، ۴۵۵)

تغذیه مردم جوزجانان

با توجه به کثرت پرورش (گوسفند، شتر و گاو) در جوزجانان، معمولاً ماده غذای آن‌ها گوشت، شیر و مشتقات شیر بوده است و همچنین از نظر مرکبات هم می‌توان گفت که چه میوه‌های استفاده می‌کردند. با توجه به آن شهری که آن نوع میوه در آن کشت می‌شده است؛ مثلاً: سان به فندق، (حدود العالم، ۶۰) کندرم به گردو و بادام، (همان) و انبار به انگور (ابن حوقل،

(۱۷۷) شهرت داشتند که به بقیه مکان‌ها صادر می‌کردند.

صنعت کاغذ در شمال افغانستان

قبل از میلاد مسیح در چین کاغذسازی رواج داشت و از چین به شهرهای شمالی افغانستان امروزی مجرای آمو رسیده و چون بلخ و جوزجانان جزء شهرهای شمالی و مهم و تجاری افغانستان به حساب می‌آمد، مسلماً از این صنعت برخوردار بوده و یا نقشی در آن داشته است. در قسمت ماوراءالنهر کارخانه‌های از کاغذ ساخته شد و مسلمانان صنعت کاغذسازی را از مردم سمرقند فرا گرفتند. می‌گویند که در سال (۷۵۱ م ۱۳۴ هـ) برخی از اسیران چینی که کاغذ را از کتان و الیاف بوتهٔ بنگ و قنب (کنف) می‌ساختند به شهرهای اسلامی آورده بودند، (هتی، ۲/۵۰۳) و مسلمانان این صنعت را از آن‌ها یاد گرفتند.

کاغذهای بعضی از شهرها دارای شهرت خاصی بود از جمله ماوراءالنهر (ابن حوقل، ۴۶۵) و کاغذ سمرقندی که آن را به سایر نقاط می‌بردند. (همدانی، ۲۵۱) شرف الزمان طاهر مروزی در حدود (۵۱۴ هـ ۱۱۲۰ م) می‌نویسد که شهر سمرقند با چین ارتباط داشته و زمانی که این منطقه توسط مسلمانان فتح شد، بقایای از صنعت کاغذسازی چینیان موجود بود. (مروزی، ۶ و ۱۰) وقتی که سمرقند توسط اعراب فتح شد کارخانه‌های کاغذسازی را در آنجا دیدند، لذا آن‌ها یک ابتکار نو در کاغذی سازی به وجود آوردند، آن‌ها به جای ابریشم از پنبه در کاغذسازی استفاده کردند چرا که ابریشم در همه جا وجود نداشت و کاغذسازی از طریق اعراب در اروپا رواج یافت. (گوستاو لوبون، ۶۲۱)

از وجود مکان‌های برای تهیه کاغذ صراحتاً نمی‌توان در جوزجانان نام برد و اطلاعات کافی در دسترس نمی‌باشد ولی با توجه به شواهد تاریخی همان‌طور که در اوایل متن بیان کردیم صنعت کاغذسازی در شمال افغانستان رونق گرفت و این یک مطلب پرواضح می‌باشد که بلخ و جوزجانان از شهرهای مهم و حساس تجاری برای تاجران بوده است و این مطلب را در قسمت تجارت بیان کردیم که این شهرها محل عبور و مرور کاروان‌های تجاری چه از داخل کشور و چه از کشورهای همسایه بوده است و انواع مختلف تجارت و صنعت را در خود دیده، به‌طور کل به این مطلب پی می‌بریم که صنعت کاغذسازی در جوزجانان هم وجود داشته است و در این زمینه فعالیت می‌کرده است.

معادن و فلزات

جوزجانان علاوه بر پیشرفت در کشاورزی و تولیدات آن و اینکه در تهیه این محصولات به خودکفایی رسیده بود، دارای امتیاز دیگری می‌باشد که آن را جزء شهرهای مهم خراسان دانسته. جوزجان دارای معادن طلا، نقره، آهن و سرب و مس بوده و همچنین دارای گاز غنی می‌باشد. شهر رباط کروان جوزجان که در کوه‌هایش معادن طلا بوده. (حدود العالم، ۶۰) شهر ریوشاران که از نظر سیاسی تحت نظر جوزجانان بوده ولی جز ناحیه غرچستان بوده است. (همان، ۵۹) و همچنین انبار که در آن زمان مرکز جوزجانان بوده در آن طلا پیدا می‌شده است. (ابن حوقل، ۱۷۷؛ جیهانی، ۱۶۹؛ یعقوبی، ۵۵) در آن زمان این سه شهر که دارای معادنی بودند که از اهمیت خاصی برخوردار بودند.

جوزجان از نظر منابع نفت و گاز غنی می‌باشد که کار تفحص و اکتشاف ذخایر از سال ۱۳۱۷ هجری آغاز شده است. امروزه در این ولایت حدود هشت معدن بزرگ گاز، به‌طور عمده در تپه‌های اطراف مرکز شبرغان کشف شده است که آن مناطق: یتیم تاغ، خواجه گوگردک، خواجه برهان، جرقودوق، باشیکورد، جمعه، جنگل کلان و چیغچی می‌باشد. (یارقین، ۵) گاز جوزجان که سال‌ها رایگان به دست روس‌ها می‌رسید، تأمین‌کننده هزینه تسلیحات و مواد خوراکی افغانستان نیز بوده است و لذا با این همه معادن غنی که در جوزجان وجود داشت دشمنان چشم طمع به آن دوخته بودن و همیشه بر سر آن نزاع داشتند و اکنون شهرهای مانند شبرغان، خواجه دو کوه، قرای اطراف شبرغان و فابریکه کود و برق مزار شریف از این گاز استفاده می‌کنند. (یارقین، ۵)

تجارت

جوزجانان یکی از مناطقی بود که در بخش تجارت خوب درخشیده است و این منطقه از لحاظ صادرات محصولات و کالاهای تجاری دیگر فعالیت‌های زیادی داشته است. این منطقه علاوه بر اینکه خود با سایر نقاط دور دست به داد و ستد می‌پرداخته است، از نقاط مختلف و دور برای تجارت نیز به جوزجانان می‌آمده و تعامل تجارتی آن‌ها یک تعامل فرا منطقه‌ای و یا حتی فرا سرزمینی بوده است.

راه‌های تجاری از افغانستان به هند

یکی از نقش‌های مهم جوزجانان در رابطه با مسیرهای تجارتی این بوده که این منطقه

به عنوان یک فراهم گاه و استراحتگاه بازرگانان و اموال تجارتی آنان بوده است. جوزجانان به عنوان یک پل ارتباطی بین فلات های ایران با ماوراءالنهر بوده است، مسیرهای که این منطقه در سر راهشان بوده و یا اینکه به عنوان یک نقطه ارتباطی محسوب می شده اهمیت جوزجانان را در بحث تجارت دوچندان کرده است. تجار علاوه بر استراحت به تجارت هم در این منطقه می پرداخته و همین امر باعث رغبت تجار به آمدن در این سرزمین می شده است. راه های برای تجارت از افغانستان به هند وجود داشت که به طور خیلی اختصار آن ها را نام می بریم.

اولین راه شمال می باشد که این مسیر از دریای کابل و کنر به آبادی های پیشاور می گذشت. (همان، ۴۷۷) این راه ولایت های کابل و تخار را به هند متصل می کرد، شمال کابل (پروان) محل بازرگان ها بود و به دادوستد می پرداختند (مؤلف ناشناخته، ۶۴) کابل، محل طلاق راه های تجارتی بود که در بازارش بیش از دو میلیون دینار نیل فروخته می شد. (ابن حوقل، ۴۵۰) در قسمت شمال هندوکش شهر کابل و بلخ به هم متصل می شد که بلخ محلی برای تجارت و بازرگان ها بود که این شهر به بارکده هندوستان معروف شده بود (مؤلف ناشناخته، ۶۱) از نقاط مختلفی کالاهای تجاری در این شهر می آمد که یک محلی برای تجارت و معاملات بود. (ابن حوقل، ۴۴۸) با توجه به اینکه جوزجان جزئی از بلخ بود، لذا جوزجان و شهرهایش مکانی مناسب برای بازرگانان و کالاهایشان به شمار می رفت (همان، ۴۴۲) و همین امر باعث می شد که اهمیت بازرگانی این منطقه مورد توجه قرار بگیرد. (مقدسی، ۳۰۲) بعضی از دروازه های بلخ را به نام یهودان و هندوان نام گذاری کرده بودند و این نام ها این مطلب را می رساند که تجار یهودی و هندی در آن محل سکونت می کردند. (بارتولد، ۵۷)

دومین راه برای تجارت از طریق شرق می باشد که از مسیرهای همچون غزنه و پختیا که از دره ای به نام (گومل) در محل بنون وصل می شود که از معابر نیلاب به سرزمین پنجاب فعلی می گذشتند. (ابن حوقل، ۴۵۰) و سومین مسیر از طریق غرب می باشد که جزء مسیرهای با اهمیت بوده که راه های تجاری از مسیرهای نشاپور، هرات، سیستان و بست به رخج می گذشت و از محل پشین و شال (کویتة فعلی) به سرزمین سند می رسید. (مؤلف ناشناخته، ۵۵)

کالای بازرگانی جوزجانان

کالاهای تجارتی جوزجانان به سایر نقاط خراسان صادر می شد و حتی این کالاها که از مرغوبیت خاصی برخوردار بودند به کشورهای دیگر توسط تجار برده می شد. بعضی از کالاهای تجارتی جوزجانان زبان زده بوده و حتی در دیگر مناطق یافت نمی شده است، لذا بعضی مواقع در

بحث کالاهای تجارتی این منطقه به همان کالا مشهور شده مانند پوست قره قل که آن را سختان (حدود العالم ۶۰) هم می‌گفتند. که این پوست‌ها را به تمام خراسان می‌برند و غالباً پوست قره قل بوده است.

همان‌طور که قبلاً گفتیم جوزجانان یکی از شهرهای مهم حساس از نظر سیاسی به حساب می‌آمد و از نظر مکانی موقعیت ویژه را برخوردار بود و به همین سبب جزئی از مراکز مهم تجارتی منطقه بود چرا که موقعیت هر منطقه بر روابط و پیشرفت تجاری آن تأثیر می‌گذارد. برخی از شهرهای جوزجانان مانند فاریاب و شبورقان بنا بر گزارش‌های جغرافی‌دانان بر سر راه‌های کاروان‌های تجاری بودند که شهرت بسیار چشم‌گیری پیدا کردند. (مؤلف ناشناخته، ۶۰) به گفته مؤلف حدودالعالم، انبار، یکی از شهرهای جوزجان مرکز تجارت شهر بلخ بود و به‌عنوان مکان و محل کالاهای بازرگانان مشهور شده. (همان) جوزجانان با توجه به شرایطی که از نظر زمین‌ها برای کشاورزی و دامپروری و معادن و غیره داشته یک منطقه‌ای بسیار عالی برای دادوستد و تجارت بوده است. (همان)

نقش جیحون در اقتصاد جوزجانان

منطقه جوزجانان و شهرهای آن و از جمله بعضی از ولایت‌های خراسان از آب عظیم و سرشار جیحون استفاده می‌کردند و آب آن را در بخش‌های مختلف از جمله: کشاورزی، دامپروری و غیره به مصرف می‌رسانند. علاوه بر استفاده از آب جیحون، خود وجود بودن این رود نقش اساسی در اقتصاد جوزجانان داشت چرا که کاروان‌های تجاری که از نقاط مختلف خراسان و خارج از آن از کشورهای همسایه از طریق آمو دریا به خراسان و این منطقه می‌آمدند که با خود کالاهای گوناگونی برای تجارت می‌آوردند و یک نقطه مثبت برای تجارت و اقتصاد جوزجانان بشمار می‌رفت.

آمودریا (جیحون) که از پامیر سرازیر می‌شد و دریاهای شمالی و جنوب به آن وصل می‌شدند، سرزمین‌های در دو طرف آن قرار داشت که همیشه مکان‌های برای انتقال کالاهای تجاری بود و راه جاده ابریشم از این سرزمین‌ها می‌گذشت که قافله‌های تجاری را به هم دیگر وصل می‌کردند. در اطراف جیحون سرزمین‌های قابل زرع را به وجود آورده بودند مانند سغد، بخارا و خوارزم در قسمت شمال و تخار و بلخ و جوزجان تا فاریاب در قسمت جنوب را دربر می‌گرفتند. در سال (۶۳۰ م) و (۶۴۴ م) هیون تسنگ از این مناطق دیدن کرده بود که در گزارش وی از کشت پنبه مرغوب در این مناطق خبر داده و جوزجانان را دارای رودهای پرآب و زمین‌های

حاصلخیز و محلی برای پرورش اسب دانسته است. (حبیبی، ج ۱، ۴۴۷-۴۴۸)

در اطراف و سواحل جیحون هر موقع بحث از آبادانی و تجارت و پیشرفت شهری به میان آمده است حتماً یک انشعابی از جیحون به آن شهر صورت گرفته است و یا به هر طریقی از آب آمودریا مستفید شده است؛ مانند ولایت جوجانان و شهرهایش که منطقه‌ای پرآب و حاصلخیز بوده و محصولات کشاورزی، دامپروری و غیره را به دیگر مراکز به‌عنوان تجارت صادر می‌شده و هرجایی هم که دسترسی به آب جیحون نداشته، با مشکلات کشاورزی و زندگی در آن مناطق و در نتیجه به مرور زمان منجر به خرابی آن مناطق روبه‌رو شده است. (مفتاح، ۶۴۳)

ناحیه‌های اطراف جیحون جزء مراکز مهم صنایع بوده است، صنعت‌های مانند پنبه، کتان، پشم، ابریشم و پارچه‌بافی از روزگاران گذشته در این مناطق مرسوم بوده است. طبری در رابطه با پیشرفت صنعت ابریشمی بافی در این مناطق سخن گفته و از دست‌بافته‌ها و محصولاتی که از ابریشم به وجود می‌آمده خبر داده است. (زکی، ۲۳۰) کالاهای تجاری زیادی بود که در نواحی اطراف جیحون با آن‌ها تجارت می‌شد که از آن جمله: کاغذ، روغن، سرب، لباس‌های نخی، صابون، شتر، جز، بادام، مویز و غیره می‌باشد. (مفتاح، ۶۶)

نتیجه

در جوجانان اوضاع اجتماعی از شرایط خوبی برخوردار بوده است و در این محدوده زمانی مردم جوجانان دارای تعاملات زیادی در خود این منطقه و همچنین با سایر نقاط داشته که یکی از امتیازات این منطقه جهت هر چه بهتر شدن شرایط اوضاع اجتماعی بوده است. البته این شرایط گاهی با تغییر دولت‌ها دچار مشکل شده و نزاعی در بین اجتماع این منطقه رخ می‌داده که توسط حاکمان این منطقه حل‌وفصل می‌شده است. جوجانان در این محدوده یکی از دوره‌های با شکوه اقتصادی خود را گذرانده است و شرایط اوضاع اقتصادی به حدی مطلوب بوده که این منطقه از مناطق اقتصادی ویژه خراسان شمرده شده و جوجانان را با محصولاتی مانند پوست قره قل، مویز،... و اسب‌هایش می‌شناختند. این ولایت با کالاهای تجاری و همچنین روابط اقتصادی با سایر مناطق باعث بهبود و پیشرفت اوضاع اقتصادی در سطح منطقه شده است.

- در جامعه اجتماعی جوجانان نژادهای مختلفی همچون عرب، کرد، ترک، ازبک و هزاره وجود داشته که هر کدام به نحوی در اوضاع اجتماعی این منطقه تأثیرگذار بوده است برای مثال با آمدن عرب‌ها در این منطقه زبان عربی گسترش یافت و مردم با آداب و شیوه‌های زندگی

اسلامی آشنا شدن و اوضاع اجتماعی این منطقه روزبه‌روز منسجم‌تر شد.

- جوزجانان به‌عنوان یک پل ارتباطی بین فلات‌های ایران با ماوراءالنهر و همچنین ارتباط با هند، محلی ترانزیتی بوده که این منطقه به‌عنوان یک مرکز اقتصادی مهم شمرده شده است.
- اوج و شکوفایی اقتصاد جوزجانان در دوران سامانیان بوده که در کنار جنگ‌های که این دولت داشته، امنیت در سرزمین‌های تحت فرمان سامانیان برقرار بوده و با قرار دادن مالیات متعادل به پیشرفت اقتصاد، آبادانی، کشاورزی و صنعت کمک می‌کرد.
- در دوران حکومت محلی آل فریغون در جوزجانان در عصر سامانیان به علت حاکمیت مقتدر و استقلال مالی و همچنین توجه و پیشرفت در کشاورزی، دامپروری و تجارت این منطقه به اوج شکوفایی اقتصادی خود رسیده است.

منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، تاریخ کامل، علمی، تهران، ۱۳۷۱ ه.ش. ج ۲.
۲. ابن حوقل، صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، نشر بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۴۵ ش.
۳. ابن خلدون، عبد الرحمن، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبد المحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۱، ۱۳۶۳ ه.ش.
۴. اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، مریم میراحمدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ج ۲، ۱۳۷۹ ه.ش.
۵. اشپولر، برتولد؛ تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، تهران، نشر شرکت انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۶. اصطخری، ابراهیم بن محمد، المسالك و الممالك، حینی، محمد جابر عبدالعال، مصر، الهيئة العامة لقصور الثقافة، ۲۰۰۴ م.
۷. بختیاری، محمد عزیز، شیعیان افغانستان، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۵ ه.ش.
۸. پرویز، عباس، دیالمه و غزنویان، علمی، چاپ اول، ۱۳۳۶ ه.ش.
۹. پولادی، حسن، هزاره‌ها، ترجمه علی عالمی کرمانی، تهران، محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. پی.جی. میتلند، تحقیقی درباره: هزاره‌ها و هزارستان (گزارش کمیسیون سرحدی افغان و انگلیس)، مترجم: محمد اکرم گیزی، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. جرجی زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، طبع قاهره، ۱۹۰۲ م.
۱۲. جرفادقانی، ابو الشرف ناصح بن زفر، ترجمه تاریخ یمینی، تحقیق جعفر شعار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، نشر علم، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.

۱۴. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، ترجمه تقویم التواریخ (سالشمار وقایع مهم جهان از آغاز آفرینش تا سال ۱۰۸۵ هـ ق) / میراث مکتوب، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران - ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۵. حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، افسون، تهران - ایران، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۶. حتی، فیلیپ خوری، تاریخ عرب، آگاه؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۷. حموی، یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان (ترجمه)، ج ۱، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۸. دولت آبادی، بصیر احمد، شناسنامه افغانستان، محمدابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۹. ریچارد نلسون فرای، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، ترجمه: حسن انوشه، امیر کبیر، ۱۳۹۴ ش.
۲۰. زکی، محمد حسن، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه: محمدعلی خلیلی، اقبال، ۱۳۶۶ ه.ش.
۲۱. سهام الدوله، یارمحمدخان یزدانقلی، سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی، شادلو، خاور بی بی، محقق: روشنی، قدرت الله، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران - ایران، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲۲. شرف الزمان طاهرمروزی، طبایع الحیوان، موسسه نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۹.
۲۳. شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، بستان السیاحه، احمدی (چاپخانه)، ایران - تهران، ۱۳۱۵ ه. ش.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۵. عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر، قابوس نامه، [بی نا]، ۱۲۸۵ ه.ق.
۲۶. عوفی، محمد، لباب الالباب، محمد عباسی، انتشارات فردوس و انتشارات فخر رازی، تهران، ۱۳۶۱ و ۱۳۹۱ ه.ش.

۲۷. فاضلی نیا، نفیسه، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۸. فرای، ریچارد نلسون، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمد محمودی، تهران، بنگاه نشر کتاب، ۱۳۴۸ ه.ش.
۲۹. کریستن سن، آرتور امانویل، ایران در زمان ساسانیان، دنیای کتاب، تهران - ایران، ۱۳۶۸ ه.ش.
۳۰. کلیفورد ادموند باسورث، تاریخ غزنویان، ترجمه: حسن انوشه، امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۷۸ ه.ش.
۳۱. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، فخرداعی گیلانی، کتابفروشی علمی، چاپ اول، ۱۳۱۸.
۳۲. مارکورات، یوزف، ایرانشهر در جغرافیای بطلمیوس، ترجمه: مریم میر احمدی، طهوری، ۱۳۸۳ ه.ش.
۳۳. متقی زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۴ ه.ش.
۳۴. محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۳، توس، تهران - ایران، ۱۳۷۹ ه.ش.
۳۵. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۳، ۱۳۷۴ ه.ش.
۳۶. مفتاح، الهامه، جغرافیای تاریخی بلخ و جیحون و مضافات بلخ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶ ه.ش.
۳۷. مقدسی، أبو عبد الله محمد بن أحمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ج ۱، ۱۳۶۱ ه.ش.
۳۸. منهاج سراج، عثمان بن محمد، طبقات ناصری، ج ۲، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.
۳۹. موسسه شیعه شناسی، سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

۴۰. موسوی، سید عسکر، هزاره‌های افغانستان، ترجمهٔ اسد الله شفایی، اشک یاس، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴۱. مؤلف ناشناخته، حدود العالم من المشرق الى المغرب، الهادی، یوسف، دار الثقافیه للنشر، قاهره، چاپ اول، ۱۴۲۳ ه.ق.
۴۲. ناصری داودی، عبدالمجید، تاریخ تشیع در افغانستان، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ه.ش.
۴۳. نائل، حسین، سایه‌روشن‌هایی از وضع جامعهٔ هزاره، میریزدان بخش، اسماعیلیان، ایران - قم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۴۴. نسیم، عرب‌های ساکن در افغانستان، ملیت‌های برادر، شماره ۶ سال ۱۳۶۵ ه.ش.
۴۵. الهمدانی المعروف بابن الفقیه، ابو عبدالله احمد بن محمد بن اسحاق، البلدان، تحقیق یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، ط الاولی، ۱۹۹۶/۱۴۱۶.
۴۶. واسیلی بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، حمزه سردادور، چاپخانه اتحادیه تهران، اول، ۱۳۰۸ ه.ش.
۴۷. یارقین، محمد حلیم، اطلس اتنوگرافی اقوام ولایت جوزجان، غضنفر بانک، کابل، انتشارات خراسان، سال ۱۳۸۹ ه.ش.